

**مبانی توجیهی اصل شفافیت در انتخابات**محمد اسماعیل اسدی<sup>۱\*</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۱۰

حسن خسروی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۱۸

احمدرضا بهنیاافر<sup>۳</sup>علی پور قصاب امیری<sup>۴</sup>**چکیده**

**هدف پژوهش:** بررسی و تبیین مبانی توجیهی اصل شفافیت در انتخابات. امروزه یکی از دغدغه‌ها و حساسیت‌های قابل توجه دولت و مردم در عرصه‌ی دموکراسی و حکمرانی مط لوب انتخابات است. انتخاباتی که با خط و مشی‌گذاری صحیح و کارآمدی اصل شفافیت و دستیابی به اهداف عالی که از مسیر انتخابات تامین می‌شود. بدین منظور دولت‌ها در تلاش‌اند با بهره‌گیری از رویکردهای فکری عالی و مناسب و ابزارهای جدید و کم‌هزینه‌تر و کارآمدتر این اهداف را محقق کنند. یکی از مدرن‌ترین رویکردها و ابزارهایی که دولت‌ها برای کارآمدی انتخابات به کار می‌برند توجه به اصل شفافیت می‌باشد. شفافیت و آگاهی عمومی مردم از آنچه در حکومت می‌گذرد موضوعی نیست که به جوامع مدرن اختصاص یابد، بلکه همه‌ی جوامع با آگاهی و به‌کارگیری آن می‌توانند از منافع اصل شفافیت در انتخابات بهره‌مند شوند. اصل شفافیت دارای پشتوانه و مبانی تئوریک عمیقی بوده است و در حقوق بنیادین بشر ریشه دارد. با مطالعه‌ی پژوهش‌ها در حوزه شفافیت و مصادیق کاربردی از جمله شفافیت در فرایند انتخابات، شفافیت در فرایند دموکراسی و حقوق بشر و حکمرانی مطلوب و مکانیزمهای اجرایی آن مشخص می‌شود که اصل شفافیت ابزاری مهم در کارآمد نمودن انتخابات و نظارت بر آن و توانمندسازی خط و مشی‌های آن در جهت تامین اطراف عالی آن می‌باشد، به طوری که از جمله حق‌های بنیادین در حقوق بشر و دموکراسی و حکمرانی مطلوب برای افراد می‌باشد و این حق‌ها مورد شناسایی، تبیین و توجه قرار گرفته است. در پایان مشخص میشود که رویکرد نوین و جدید توجه به اصل شفافیت در انتخابات، مطمئن‌ترین، موفق‌ترین و روشن‌ترین شیوه برای افزایش کارآمدی انتخابات و اثر بخشی در تامین اطراف آن و افزایش تعامل مردم و دولت که منجر به افزایش اعتماد عمومی و مشارکت عمومی است می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** انتخابات، دموکراسی، شفافیت، حکمرانی خوب، حقوق بشر.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دامغان، دامغان، ایران. Soheil.Asadi1979@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشیار حقوق عمومی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. Hkh.be82@yahoo.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران. behniafar@yahoo.com

<sup>۴</sup> استادیار گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران. aliamiri20@yahoo.com

شفافیت از جمله موضوعات اساسی در مباحث کلان حکومت های مردم سالار است که در جهت تقویت رابطه ی حکومت با شهروندان از مجرای انتخابات به مثابه یک حرکت اساسی در بهبود سیاست گذاری قلمداد می شود. در نتیجه امنیت خاطری است که ملت به حکومت پیدا می کند و در جهت استمرار حکومت و تقویت آن گام خواهد برداشت. شفافیت یک بستر نظارتی است که حس دیده شدن توسط عموم مردم را به وجود می آورد و وقتی این حس به وجود بیاید مسئولان رفتارشان را در فرایند انتخابات از مقام های تصمیم گیری و سیاست گذار و تعیین کنندگان خط مشی آن تا عوامل اجرایی و کاندید ها و نامزدها را به گونه ای تنظیم می کند که مغایر با شان و جایگاهشان و انتظاراتی که قوانین برای آنها ترسیم نموده و از طرف عموم مردم نسبت به آنها دارند ایجاد نشود. در نتیجه رضایت و مشارکت عمومی را در این عرصه افزایش داده و همچنین شفافیت در خود کنترلی و افزایش کارایی فرایند اجرایی و نتیجه آن سهم و نقش بسزایی دارد. مطالعات نشان داده است وقتی افراد بدانند در یک فرایند شفاف مورد نظارت و ارزیابی قرار می گیرند فرمانبری آنها از قانون به طور خودکار افزایش می یابد و در نتیجه به سلامت یافته های آن فرایند و اهداف آن کمک شایانی می کند. شفافیت و شفاف سازی فرایند انتخابات اولاً: موجب آگاهی بخشی مردم نسبت به حقوق و تکالیف خود با دولت و دسترسی آسان و ضابطه مند مردم به اطلاعات صحیح می شود. دوماً: شفافیت زمینه ساز برای جذب و استفاده از ظرفیت ها و پتانسیل های مردم در تعامل متقابل دولت و مردم در جهت افزایش و کارآمد نمودن مشارکت عمومی میشود.

این پژوهش نشان می دهد که توجه به مبانی و مفاهیم بنیادین اصل شفافیت در عرصه کل انتخابات موجب کارایی و موفقیت زیاد برای دولت ها و حکومت ها و بهره مندی از نتایج آن برای مردم را به دنبال دارد. از این رو ابتدا به بیان مفهوم و معنای شفافیت و تبیین اصل شفافیت می پردازیم و سپس آن را در سه حیطه بنیان فکری در عرصه ی دموکراسی و حقوق بشر و حکمرانی مطلوب مورد تبیین قرار می دهیم و در پایان هم نتایج حاصل از این توصیف و تبیین بیان می شود.

اصل شفافیت در انتخابات بر کدام بنیان های فکری موجه سازی می شود؟

پیشینه ی پژوهش: موضوع شفافیت با رویکردهای گوناگون در دولت های مختلف مورد بحث قرار گرفته است. مانند حکمرانی مطلوب و نقش شفافیت در آن که شفافیت از مهمترین عناصر نیل به حکمرانی مطلوب به شمار می رود و یا نقش شفاف سازی رسانه ها بر حکمرانی مطلوب که موجب افزایش فرهنگسازی در جامعه و اینکه چگونه با داشتن اطلاعات کافی و صحیح می توان به حکمرانی خوب دست یافت.

روش پژوهش: در این پژوهش با روش تحلیل و توصیف متن و مبانی های فکری به مطالعه ی مبانی نظری به صورت منابع کتابخانه ای سازماندهی شده و به نتیجه گیری پرداخته شده است.

#### گفتار ۱: شفافیت

در گفتار اول به بیان شفافیت و تبیین کارآمدن نمودن اصل شفایت در انتخابات خواهیم پرداخت.

#### مبحث ۱: معنای لغوی، تعریف شفافیت و مفهوم شفافیت

در این مبحث به تبیین معنا، تعریف و مفهوم شفافیت خواهیم پرداخت.

#### ۱-۱- معنای لغوی شفافیت

شفافیت، واژه ی عربی است که از ریشه ی (شفف) است. شفاف خود به معنای نازک، ظریف، روشن، زلال بودن است (آذرنوش ۳۳۶:۱۳۸۶).

شفافیت معادل پذیرفته شده برای واژه ی (Transparency) در لاتین میباشد. برخی معتقدند واژه ی (Trans) به معنای حرکت و جنبش و واژه ی (parent) به معنای قابل مشاهده میباشد (oliver:2004).

حال از ترکیب این دو اصطلاح شفافیت در مورد آشکار بودن و در دسترس بودن اطلاعات، داده ها و رویه ها جهت بررسی و نظارت بر آنها میباشد. (Schauer:2011)

#### ۱-۲- تعریف شفافیت

شفاف سازی استعاره ای از یک کاربرد نسبتا جدید است که طی دهه ی ۱۹۹۰ پدیداری چشمگیری داشته است و می توان آنرا اینگونه بیان نمود که آن وضعیتی است که در آن دانش

فعالیت هایی که مورد علاقه عموم است آشکار شود، به طوری که استعداد بالقوه برای مسئولیت را آشکار سازد. شفافیت یعنی حق دانستن که یکی از حقوق اساسی ایران است و این فرض مهم را در خود دارد که آدمیان اساساً موجودی خردورز، دارای قوه دادرسی و قادر به تشخیص صلاح خویش هستند. بر این اساس هرگونه رفتار قیم مابانه و مخفی کارانه، نافی این اصل بنیادین است (پدرام ۱۳۸۱: ۸۷) از این رو یکی از مبانی اصل شفافیت حق آگاهی و دانستن مردم میباشد. آنچه امروز در ادبیات حقوقی، سیاسی و مدیریتی شفافیت خوانده میشود همان امکان هرگونه نقد، بررسی، مشاهده، اظهار نظر و قضاوت صحیح راجع به امور عمومی جامعه من جمله انتخابات میباشد که در نتیجه تحقق نظارت همگانی را به همراه دارد. از این رو کارآمد نمودن این اصل در کلیه فرآیند انتخابات ما را به اصل و حقیقت وجودی شفافیت می رساند و اثر گذاری و موثر بودن خود را بر کارآمدی فرآیند و نتیجه انتخابات نشان میدهد.

از منظر حقوقی اصطلاح شفافیت با اصطلاح آزادی اطلاعات (حق دسترسی آزاد به اطلاعات در اختیار تشکیلات حکومتی و مخاطبان خاص خود و هرکسی که مشمول آن میشود) قرابت فراوانی دارد به گونه ای که به زعم برخی شفافیت معادل آزادی اطلاعات میباشد. (Frankie: 2012 Schram). یا به عبارتی شفافیت عبارت است از حق هر کدام از شهروندان در دسترسی داده ها، آگاهی معلومات و فرآیندهای سیاست گذاری و تصمیم گیری مرتبط با شفافیت و مکانیزم های اتخاذ تصمیم توسط مسئولان حکومتی. (ساریخانی، اکرامی سراب، ۱۳۹۲: ۱۰۳). عده ای عقیده دارن شفافیت در عرصه سیاسی به معنای آن است که با اطلاعاتی که دولت در اختیار شهروندان قرار می دهد به آنها این امکان را می دهد تا از آنچه دولت انجام می دهد آگاه شود. (یزدانی ۱۳۸۴: ۳۰). هدف از شفافیت اجازه دادن به شهروندان و نخبگان و فعالان سیاسی و احزاب برای پاسخگو نگه داشتن حکومت در قبال سیاست ها و عملکردها می باشد. بنابراین شفافیت را به منزله اطلاعاتی میتوان دانست که توسط نهادها منتشر تا ارزیابی از سوی مردم و نخبگان و فعالان سیاسی آسان تر و روشن تر شود. شفافیت یک اصطلاح سیاسی است که شکل حقوقی به خود گرفته است (Ball, R. and A, Robin: 2000). شفافیت از لایه هایی تشکیل شده که بصیرت، دانش، دسترسی عموم به اطلاعات موجود در سازمان های عمومی مهمترین عناصر مشخصه شفافیت است. یک نظام شفاف انتخاباتی نظامی است که امکان بصیرت را را برای شهروندان خود فراهم آورد که این امر از طریق دسترسی مردم به اطلاعات و فرایندهای روش نو صحیح و درست میسر میگردد. شفافیت و پاسخگویی پایه های لازم الاجرای نظارت مردم سالارانه می باشد، که حکمرانی را در نتایج، پیگیری اهداف روشن، توسعه راهبردهای موثر، نظارت بر عملکرد و گزارش آن در کلیه ی

فرایندهای انتخابات وادار می کند که در مجموع موجب جلوه گری و اثر بخشی اصل شفافیت در کلیه فرایندهای انتخاباتی میشود و موجب بالا رفتن درجه ی خلوص و درستی عیار انتخابات می شود. شفافیت موجب تساهل و دستیابی شهروندان به اطلاعات و آشنایی آنان به قوانین و کلیه ی فرایندهای آن میشود این امر به موجب عدم ایجاد موانع برای شهروندان، نخبگان، فعالان اجتماعی، احزاب به اطلاعات معتبر و موثق و بهنگام می باشد، یا به عبارت دیگر در تعریف شفافیت میتوان گفت، یعنی گشایش امور غیر امنیتی و نظامی برای افرادی است که مخاطب انتخابات می باشد به طوری که رسانه ها، سایت ها، قوانین، تصمیمات و ... قابل عرضه به افکار عمومی باشد تا موجب بصیرت و افزایش آگاهی و ارزیابی و افزایش کارآمدی و در نهایت در مورد آنها به قضاوت و سنجش بنشینند. به عبارت دیگر شفافیت در انتخابات را میتوان اینگونه تبیین نمود و آن عبارت است از:

- ۱- شفافیت یعنی تابانیدن نور بر قوانین، برنامه ها، فرایندها و اقدامات در کلیه ی عرصه ها و جریانات انتخابات از قبل و حین تا بعد انتخابات.
- ۲- آگاهی از چرایی ها و چگونگی و چیستی در عرصه و فرایندهای مختلف انتخابات می باشد.
- ۳- شفافیت تضمین می کند که مسئولان و عناصر و عوامل اجرایی در مناصب گوناگون از قبل و حین و بعد فرایند انتخابات به صورت قابل رویت و قابل فهم فعالیت کرده اند و گزارشاتی پیرامون اقداماتشان منتشر نموده تا به وضوح و روشنی مورد ارزیابی و سنجش و اصلاح و قضاوت قرار گیرند که این امر موجب افزایش خلوص شفافیت و کارآمدی آن می شود.
- ۴- شفافیت مطمئن ترین راه ساختاری ایجاد مانع در برابر انحرافات و فساد در کلیه ی مراحل و روند انتخابات می شود که در نتیجه سبب افزایش اعتماد مردم به حکمرانی و نهادهای مسئولیت پذیر در ارتباط با انتخابات می شود.

### ۳-۱- مفهوم شفافیت

شفافیت مفهوم وسیعی دارد که در بخش ها و فرایندهای انتخابات اعمال میگردد مانند شفافیت اجرایی و اقدامات، شفافیت برنامه ای، شفافیت مالی، شفافیت اطلاعات و غیره. شفافیت در آزادی شکل و مطبوعات منجر به افشای متجاوزان به حقوق بشر میشود بعلاوه توجه به اصل شفافیت موجب میشود که گروه های ذینفع عمومی تشکیل شود که در عرصه انتخابات هم مدافع نفع عمومی در این مقوله باشند و هم جلوگیری کننده و افشا کننده در انحرافات و فساد در این مقوله شوند. بنابراین وقتی صحبت از شفافیت میشود دو کرانه مورد توجه قرار میگیرد:

اول- شفافیت در تصمیم‌گیری و اجرای آن.

دوم- شفافیت در هر چیزی که مربوط و مرتبط با این مقوله باشد.

مفهوم شفافیت باید به لحاظ کیفی گویا در تبلیغات و پاسنگویی و دسترسی عمومی اطلاعات و تمامی کنش‌های انتخاباتی باشد. اصل شفافیت بخصوص در کشورهایی با سطح پایین آموزشی و نظام‌های سیاسی نیمه دموکراتیک، شفافیت باید همراه با اصلاحات اضافی، ظرفیت مردم را در فرآیند آگاه‌سازی و اجرای ضمانت‌اجرائی در عرصه انتخابات را تقویت کند. اثر تعاملی شفافیت در انتخابات عادلانه، مطبوعات و اطلاعات آزاد و اجراییات شفاف به همراه آزادی‌های مدنی گسترده با یکدیگر موجب کارایی و کارآمدی و اثر بخشی اصل شفافیت به عنوان مکانیزم مهم و قابل توجه در عرصه انتخابات که ما را به حقوق دموکراسی و حقوق بشر و حکمرانی مطلوب برساند منجر میشود. یکی از اثر بخشی‌ها و کارایی‌های شفافیت عملکرد آن در مقررات و قوانین انتخاباتی است که گاهی پیچیده و مبهم و با چندین تفسیر و تغییر قوانین بدون آنکه آگاهی عمومی یابند ایفا میکند، که این اصل موجب مبهم‌زدایی و تسریع و پیشرفت عملکرد در انتخابات می‌باشد. توجه به این اصل باعث میشود که آیا حکومت در راستای حاکمیت قانون و ارزشهای بنیادین در جامعه حرکت میکند یا خیر؟ یا وظایف و تکالیف حاکمان و اجرای آنها بر اساس قوانین و مقررات انجام میگیرد یا خیر؟

شفافیت در عرصه انتخابات نیازمند آن است که در قدم نخست قوانین با بیانی واضح و روشن داشته باشیم و برای همه کسانی که درگیر آن هستند شناخته شده باشد و بی طرفانه و نباید مکرر و خودسرانه تغییر یابد. شفافیت نهادی و شفافیت سیاسی دو رکن مهم در نظام‌های دموکراتیک است. از این رو اثرات عالی شفافیت در کشورهایی ظهور میکند که بالاترین سطح آموزش را در فرآیند انتخابات و فرهنگ شفافیت گردش آزاد رسانه‌ها و دموکراسی انتخاباتی و حاکمیت و حکومت قانون، شناسایی و تعلیم و شفافیت حقوق بشری را دارا می‌باشند و به شهروندان خود عرضه میکنند. شفافیت در انتخابات شرایط و بستری را در جوامع ایجاد میکند که حق انتخاب کردن و رای دادن و انتخاب شدن در آنها بدون هرگونه مانع و اجبار و انحرافات امکان پذیر نموده و تمامی این فرآیند در محیط و مجرای کاملاً روشن و غیر ابهام‌آمیز و قابل تحلیل و ارزیابی از سوی نخبگان و عموم جامعه و نهادهای شفافیت انجام میشود. در توجه به اصل شفافیت انتخابات، شرایط حاکم بر انتخابات به گونه‌ای است که نتیجه انتخابات را با هر رویکردی که باشد به شکل عادلانه و بی طرفانه منعکس می‌سازد. در حقیقت آن انتخابات در شرایطی برگزار شده که بیانگر اراده انتخاب‌کنندگان و شفافیت حاکمیت قانون و شفافیت کلیه فرآیندهای انتخابات و پذیرش نتایج از سوی

کاندیدها و همگان میباشد که منجر به رضایت عام میشود. از این رو به طور کلی میتوان گفت که اهمیت و توجه به اصل شفافیت ابهام در تصمیم گیری ها، اجرا و نتایج در فرایند انتخابات را کاهش میدهد و اخذ تصمیمات و اجرای آنها در یک نهاد و سازمان مطابق قوانین و مقررات و صلاحیت ها و کنترل های خاص انجام میشود و اطلاعات به صورت کاملا آزاد و شفاف در اختیار مخاطبان خاص و عام خود قرار میگیرد.

## مبحث ۲: تبیین کارآمدی مکانیزم اصل شفافیت در انتخابات

هدف از اصل شفافیت این است که به عنوان پایه ای برای توسعه اصول دموکراتیک که انتخابات و رسیدن به اهداف مطلوب انتخابات آزاد و عادلانه میباشد. شفافیت اصطلاحی برای یک فرایند روشن است که برای انتخاب کنندگان و انتخاب شوندهگان قابل فهم و پاسخگو است. رویه های شفافیت، مشارکت و پشتیبانی از سیستم و فرایند انتخاباتی را تشویق می کند. به طوری که با باز بودن و شفافیت در فرایند اتخاذ تصمیمات انتخاباتی برای مردم نوعی احساس اعتماد به صحت و سلامت تصمیمات انتخاباتی و سیاسی برای مردم در قبل و حین و بعد از آن و در نهایت پذیرش نتیجه آن ایجاد میشود. در خصوص تبیین اصل شفافیت لازم است به دو نکته در این خصوص توجه کنیم،

اول- توجه به شفافیت درونی حکومت که اشاره به کلیه فرایندها و سیاست ها و اقدامات و تصمیمات و نهادها و اطلاعاتی دارد که حکومت در اختیار جامعه یعنی مخاطبان انتخاباتی خود که شامل افراد عام و خاص قرار میدهد. زیرا ممکن است در برخی موارد حکومت نهادهای دموکراتیک را تنها به منظور تظاهر ایجاد نماید تا باعث خشنودی بازیگران داخلی یا خارجی شود، چنین نهادهایی بد طراحی شده و عملکرد آنها در راستای اصل شفافیت نمی باشد و نتیجه موثری هم ندارد و از طرفی حتی از نهادهایی با طراحی ضعیف می توان به عنوان ابزاری برای تغییر آهسته ی اقدامات غیر دموکراتیک بهره جست و گاهی اقدامات حکومت ها در ارائه ی اطلاعات می تواند فریبکارانه باشد. به طور مثال اگر در طول یک دوره حکومت عملکرد خوب و قوی داشته باشد این حکومت اطلاعات خود را مخفی نمی کند و برعکس اگر عملکرد خوب و قوی نداشته باشد و گردش آزاد اطلاعات و تحلیل آن در جامعه نهادینه نشده باشد حکومت می تواند این گزینه را انتخاب کند که اطلاعات را منتشر نکند. چنین حکومت هایی تنها در دوره ای خاص اطلاعات را در اختیار عموم قرار می دهند، از این رو نمی توان این عمل آنان را شفافیت نامید.

دوم- شفافیت بیرونی، اشاره به فرایندها و اطلاعاتی دارند که حکومت ها برای سازمانهای بین المللی مانند نهادهای شفافیت فراهم می کند تا از تحلیل و آنالیز آنها برای پیشرفت و پیشبرد اهداف

عالی از فرایند و نتیجه‌ی انتخابات استفاده کند، (البته این شامل اطلاعات نظامی و امنیتی و فرایندهای آن نمی‌باشد) یعنی استفاده از نهادهای شفافیت بین‌المللی و استانداردهای شفافیت در کلیه‌ی فرایندهای انتخابات و الگوپذیری از کشورهای پیشرفته در این خصوص تا ما را به آرمان اصول مطلوب و شایسته و شفاف انتخابات برساند. در ادامه باید این نکته را اذعان داشت که برخی حکومت‌ها ممکن است راغب باشند تا حجم زیادی از اطلاعات را در اختیار سازمانهای بین‌المللی قرار دهند که ممکن است شامل اطلاعات حساسی شود اما کمتر رغبت دارند تا این اطلاعات را در داخل کشور نیز برای مخاطبان خاص و عام انتخاباتی خود منتشر نمایند، حال اگر ما بتوانیم شفافیت درونی و بیرونی حکومت را برای تعالی و بهره‌مندی و اقتدار منافع عمومی در همه ابعاد و کلیه‌ی فرایندهای انتخابات، قبل و حین و بعد از برگزاری انتخابات که از نمادهای عالی دموکراسی است همسو کنیم میزان بهره‌مندی ما از سلامت انتخابات که طی آن گزینش عالی‌نخبگان سیاسی در جهت نیل به اهداف عالی منافع عمومی است صورت میگیرد، در نتیجه اعتماد عمومی افزایش میابد و پذیرش آن از سوی مردم و نخبگان و افکار عمومی در عرصه داخلی و بین‌المللی افزایش میابد. اصل شفافیت توجه زیادی به اصل منفعت عمومی دارد برای آنکه کارآمدی شفافیت انتخابات باید منجر به خیر و نفع عمومی شود و برای ظهور و بروز این امر باید این شفافیت در سه حوزه مورد واکاوی قرار گیرد و آن عبارت است از: اول مرحله پیشین انتخابات. دوم مرحله میانی انتخابات. سوم مرحله پسینی انتخابات.

در همه مراحل اصل طلایی حاکم بر نظارت اصل شفافیت که منجر به اعتماد متقابل است می‌باشد که بر اساس فرایندی کاملاً شفاف و واضح و با کمترین یا بدون ابهام‌آمیزترین قوانین و برنامه‌های اجرایی، یعنی نظارت شونده‌گان و نظارت‌کنندگان باید بتوانند بر اساس اصل شفافیت به یکدیگر اعتماد کنند که این اعتماد متقابل هم بر این اساس پیش می‌آید که ساز و کارها و نهادهای نظارتی و قوانین و تصمیمات و همه‌ی مواردی که متصل به این امورات می‌باشد بر اساس اصولی مانند عقلانیت، شفافیت، کارآمدی، عدالت و انصاف و بی‌طرفی بتوانند هم وظایف خود را انجام دهند و هم نظارت خود را اعمال کنند. اگر نهادهای ناظر بر انتخابات در هر کدام از این سه مرحله به گونه‌ای عمل کنند که کنش‌گران عرصه‌ی انتخابات احساس نکنند که این نظارت در کلیه مراحل جانب‌دارانه است مشروعیت آن نظارت و عملکرد به طور کامل زیر سوال خواهد رفت. بنابراین شفافیت در عملکرد و نظارت باید در سه مرحله انجام پذیرد که این امر منجر به اعتماد آفرینی میشود. هدف و فلسفه اصل شفافیت در کلیه‌ی مراحل و عملکردها و نظارت انتخابات ایجاد صلح و آرامش و اهداف عالی که حقوق و خیر و نفع عمومی مردم رادر پرتو یک نظام



دموکراسی و حقوق بشر و حکمرانی مطلوب تامین می کند می باشد. «بنابراین فرایند و عملکردها و نظارتی که خود منجر به بروز تنش و چالش های سیاسی شود کاملا واضح است که این نظارت و عملکرد دچار اشکال اساسی است». (گرجی، ۱۳۹۳: ۱۷۲)

بنابراین اصل شفافیت در فرایند انتخابات راهکاری است مسالمت آمیز برای برطرف کردن چالش ها و اختلافات بنیادین این امر در جامعه و در نهایت با در نظر گرفتن اصل شفافیت در داوری و دادرسی انتخابات باعث می شود که مرجعیت و بی طرفی او مورد پذیرش قرار گیرد در حل چالش ها و بحران های پیش بینی شده و غیر مترقبه.

توجه به اصل شفافیت امکان موشکافی شهروندان در کلیه ی مراحل و فرآیندهای انتخابات را میسر می سازد و تحقق این امر در گرو داشتن اطلاعات کافی در مورد قوانین و مقررات روشن و قواعد و تصمیمات مقامات به طور روشن و صریح در کلیه ی فرایند انتخابات می باشد این شفافیت را می توان در فرایند های ذیل بیان کرد:

۱- شفافیت مقامات مسئول در تصمیم گیری

۲- شفافیت در رویه اجرای تصمیمات

۳- شفافیت در زمان لازم الاجرا شدن تصمیمات

۴- شفافیت در نحوه رسیدگی به شکایات و دعاوی مربوطه و زمان مناسب برای این اقدامات را در بر می گیرد.

اجرای اصل شفافیت در انتخابات دارای سه کارکرد مهم است:

۱- شفافیت این امکان را برای بازیگران انتخابات فراهم می کند تا جنبه های مختلف انتخابات را از تدوین و پیشنهاد قوانین انتخاباتی و گزینش مدیران انتخابات تا تنظیم نتایج نهایی انتخابات و حل و فصل منازعات مورد بازبینی و ارزیابی قرار دهند.

۲- به عموم مردم این اجازه را می دهد تا کلیه مراحل انتخابات را مشاهده نمایند که این امکان از طریق رسانه ها، ناظران، نهادهای مدنی، احزاب صورت می پذیرد.

۳- اصل شفافیت فرصتی را در اختیار کلیه منتقدین و مخالفین و حتی ناظران داخلی و بین المللی قرار می دهد تا از شیوه ی تصمیم گیری و مطابقت عملکردها با قوانین مطلع شوند و همچنین تحلیل و ارزیابی خود را برای کارآمد نمودن اصل شفافیت و ابهام زدایی از کلیه ی مراحل انتخابات و هر موضوعی که به نوعی دخیل و موثر در این امر می باشد در اختیار مقامات و مسئولین این امر قرار دهد تا با به کار گیری آنها ما را به حقیقت اصل شفافیت در انتخابات نائل گرداند. (خسروی، ۱۳۸۷: ۱۴۴)

از این رو صرف تعیین و بیان آمار کلی، ناقص و مبهم به معنای اجرای اصل شفافیت در انتخابات نمی باشد. بلکه زمانی می توان گفت که اصل شفافیت به طور کامل اجرا شده که اطلاعات و آمار ارائه شده روشن، شفاف و دقیق باشد. انتشار آمار سوری و خلاف واقع سبب بی اعتمادی مردم و نامزدهای انتخاباتی به جریان انتخابات می شود و موجبات بدبینی مردم را نسبت به سلامت انتخابات فراهم می سازد. اگر یک نظام انتخاباتی فاقد راهکارهای شایسته و بایسته برای اجرای اصل شفافیت باشد و یا راهکارهای ارائه شده مبهم و ناقص و ناکارآمد باشد نمی توان آن انتخابات را اثر بخش و نتیجه آن مورد پذیرش امور و نخبگان در عرصه داخلی و بین المللی تلقی نمود و در نهایت آن انتخابات را نمی توان انتخابات آزاد و عادلانه و در عین حال شفاف و درست نامید.

توجه به اصل شفافیت برای برای انتخابات ضروری است زیرا ظاهر و باطن ناشایست انتخابات را در کلیه مراحل و روندها یا از بین می برد و یا آن را به حداقل می رساند و آن را منصفانه و عادلانه صحیح و سالم برای مخاطبان خود می کند و همچنین احتمال تقلب را محدود می کند و در نتیجه رویه های شفاف باعث افزایش اعتماد و اطمینان عموم به سیستم انتخاباتی می شود.

برای آنکه انتخابات شفاف، آزاد و عادلانه درست و صحیح میسر شود باید از روش های کارآمدی اصل شفافیت در آن استفاده کنیم و از اجرای آن اطمینان حاصل کنیم که به برخی از این رویه کارآمدی در اصل شفافیت اشاره می کنیم و آن عبارت است از:

- ۱- دولت مشارکتی که در آن اشخاص حق انتخاب کردن نمایندگان خود را دارند.
- ۲- اشخاص مجاز هستند با رای گیری مخفی رای دهند.
- ۳- افراد فرصت کاندیدا شدن را دارند و یا دارا باشند.
- ۴- اطلاعات بی طرفانه انتخابات در اختیار مخاطبان عام و خاص خود قرار گیرد.
- ۵- هر شهروندی در سن رای دادن حق رای دادن بدون تبعیض را دارند.
- ۶- دسترسی به روشهای موثر و بیطرفانه برای ثبت نام رای دهندگان.
- ۷- آموزش های لازم برای رای گیرندگان و رای دهندگان.
- ۸- دسترسی برابر به یک مرکز اخذ رای برای رای دادن.
- ۹- حق استفاده از رای خود به طور مساوی با دیگران و داشتن رای با وزن معادل بقیه است.
- ۱۰- حق مردم برای پیوستن به دیگران برای تاسیس یا عضویت در یک حزب یا سازمان سیاسی برای فعالیت و رقابت سالم در انتخابات.
- ۱۱- دسترسی آسان و درست و صحیح به اطلاعات لازم و گردش آزاد اطلاعات.

۱۲- مردم می توانند برای تبلیغات انتخاباتی آزادانه و شفاف با معیارهای درست در داخل کشور فعالیت کنند.

۱۳- مردم می توانند نظرات سیاسی خود را بدون تهدید و ارعاب ابراز کنند یعنی آزادی بیان و عقیده.

۱۴- ایجاد بستری مناسب برای احزاب و نامزدهای سیاسی که بتوانند به انجام مبارزات انتخاباتی برابر با سایر احزاب و نامزدها پردازند.

بنابراین لازم به ذکر است که اصل شفافیت خود به تنهایی غایت، مراد و هدف نهایی نمی باشد بلکه مکانیزمی است که از طریق آن به مبانی اصل شفافیت که تامین کننده حقوق و منفعت جمعی و در عین حال فردی است دست پیدا کنیم و از جمله مبانی اصل شفافیت عبارتند از:

۱- دموکراسی: یا مردم سالاری مفهومی است که به فلسفه سیاسی مربوط می باشد و یک نظام حکومتی و طرحی برای جامعه است که هدف آن کامیابی فردی و جمعی تمام شهروندان است. (واعظی، ۱۳۷۸: ۲۴۸)

۲- حقوق بشر: حقوق بشر، حقوق جهانی است زیرا این حقوق طبیعی و مسلم هر عضو خانواده بشری است و هر فرد بشر در هر کجا که باشد با هر رنگ و نژاد و زبان، جنس یا دین از این حقوق بهره مند است و لازم نیست انسان این حقوق را کسب کند و جهان شمولی آن به معنای جامعه شناختی یعنی مقبولیت جهانی یا اینکه حقوق از اراده و تصمیم عام بین المللی ناشی شده باشد و به عبارت دیگر منبع حقوق جهانی باشد. حقوق بشر با تصویب و لازم الاجرا شدن منشور ملل متحد، تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و معاهدات گوناگونی که در سطح جهانی و منطقه ای بسته شده مورد پذیرش دولت ها قرار گرفته است. اعلامیه جهانی حقوق بشر همه اعضا را به آن متعهد کرده است. (موسوی، آقای جنت مکان: ۱۳۹۷: ۱۹۹)

۳- حکمرانی مطلوب: حکمرانی مطلوب در پی آن است که چگونه می توان حقوق و آزادیهای افراد را در قالب حاکمیت قانون و شفاف سازی آن در تئوری و اجرا تضمین کند و بیانگر ترجیح نظم و قانون بر ستیزه و کشمکش در جامعه به خصوص در مقوله انتخابات می باشد. (لوران، ۱۳۸۵: ۲۱۲)

گفتار ۲: مبانی توجیهی شفافیت در انتخابات

## مبحث ۱: مبانی دموکراسی

مبنای دموکراسی بر این اصل استوار است که مردم حق آزادانه انتخاب در مشارکت سیاسی خود دارند. و می‌تواند سرنوشت خود را رقم بزنند. در این مبحث شاخص‌های مورد نیاز برای دموکراسی و مردم‌سالاری اشاره می‌کنیم:

۱-۱- **لیبرالیسم یا آزادی خواهی:** اندیشه و عمل آزادی خواهانه، نخست روی دو زمینه تأکید می‌کند: بیزاری از قدرت خودسرانه و کوشش برای به وجود آوردن شکل‌های دیگری از کاربست قدرت اجتماعی از سویی و بیان آزادانه عقاید شخصی از سوی دیگر. مهم‌ترین عناصر لیبرالیسم عبارتند از: تفکیک قوا، جامعه مدنی، نظارت مردم، اولویت آزادی فردی بر عدالت اجتماعی، تمایز حوزه‌های خصوصی و عمومی، تساهل، حق مقاومت و شورش، حق مالکیت خصوصی (سعادت نژاد، ۱۳۹۷: ۲۱).

۱-۲- **پراگماتیسم:** امروزه پراگماتیسم شیوه تفکر آمریکایی و مبنای فلسفی دموکراسی را تشکیل می‌دهد. بر این اساس، معنا و حقیقت امور و اندیشه‌ها را باید در فواید و آثار عملی آنها یافت. اهمیت پراگماتیسم در دموکراسی این است که مردم را از پایبندی به افکار و سنن مستقر، به عنوان مخزن حقایق، رها می‌سازد.

۱-۳- **نسبی‌گرایی:** بر این اساس هیچ ارزش مطلق، عینی و فراگیری که به حکم عقل و علم، قابل اثبات باشد، وجود ندارد. نسبی‌گرایی، تساهل را تقویت می‌کند و ضامن حقوق اقلیت‌هاست.

۱-۴- **اصالت قرارداد:** لاک و هابز از قرارداد اجتماعی به عنوان مرحله‌ای تاریخی یاد می‌کنند. به این معنا که گذر انسان از وضع طبیعی به وضع مدنی، توسط قرارداد صورت می‌گیرد. بدین ترتیب نظم عمومی توسط قرارداد و به‌طور مصنوعی ایجاد می‌شود؛ آن هم برای یک بار و با الزام همیشگی و مستمر. ژان ژاک روسو، قرارداد اجتماعی را برای توجیه تأسیس نظم اجتماعی مشروع به کار می‌گیرد. بر این اساس، قرارداد، حاکمیت مردم را انتقال نمی‌دهد؛ بلکه مردم از این طریق، حقوق خود را به جامعه و اراده عمومی واگذار می‌کنند (سمیعی اصفهانی، ۱۳۹۶: ۲۳).

۱-۵- **اصالت رضایت و قبول:** اطاعت از حکومت، بدون احساس رضایت مردم ممکن نیست. البته بعضی مثل لاک، رضایت مردم را از طریق رضایت ضمنی توجیه می‌کنند و بعضی هم مثل کانت، ایده رضایت فرضی را مطرح می‌کنند.

۱-۶- **اصالت برابری مدنی:** مطابق این اصل، همه انسان‌ها به صرف انسان بودن ارزش یکسانی دارند و باید با همگان به شیوه‌ای برابر رفتار کرد. البته برابری در این‌جا صرفاً برابری حقوقی است؛

نه برابری به لحاظ اقتصادی و اجتماعی که آرمانی است که تنها در کمال و بلوغ نهایی دموکراسی دست‌یافتنی است (اتویت ویلیام<sup>۵</sup>، ۱۷:۲۰:۳۲).

**۷-۱- قانون و قانون‌گرایی:** وجود قانون به عنوان یکی از اصول دموکراسی، لزوماً و فی‌نفسه بیان‌گر وجود نظام دموکراتیک نیست. اصول و قواعد چنانچه ابدی و لایتغیر تلقی شوند، خصالتی کاملاً غیر دموکراتیک می‌یابند. بر همین اساس در دموکراسی‌ها، قوانین اساسی از تغییر و جرح و تعدیل در امان نیستند و دقیقاً بر همین مبناست که استمرار قانون اساسی گذشته، دال بر حکومت مردگان بر زندگان نمی‌شود؛ زیرا در صورت بروز اختلاف بین دموکراسی و قانون اساسی، این قوانین هستند که باید متحول و دگرگون شوند و بر حسب شرایط جدید بازسازی شوند. شاید یکی از دلایل نبود کودتا و انقلاب‌های خونین در جوامع غربی بر خلاف جهان سوم همین خصیصه نگاه مستمر به قوانین است (انصاری، ۱۳۹۷: ۶۰).

**۸-۱- شهروندی:** این مفهوم پس از عصر رنسانس و در انقلاب کبیر فرانسه به شکوفایی کامل رسید و در اعلامیه حقوق انسان و شهروند سال ۱۷۸۹ بروز کامل یافت. روسو شهروند را کسی می‌دانست که واجد اراده عمومی و فضیلت مدنی باشد. در قرن نوزدهم مفهوم شهروند، کسانی را شامل می‌شد که در تعقیب خیر و صلاح و تأمین رفاه خویش باشند و بالاخره در قرن بیستم با مفهوم حقوق اجتماعی درآمیخت. از دیدگاه لیبرال‌ها، شهروندی عبارت است از توانایی افراد در تشکیل و تعقیب برداشت خودشان از مفهوم خیر و مصلحت همراه با رعایت حق دیگران در اقدام برای برداشت دیگری از آن مفهوم. بدین سان هرچه مفهوم شهروندی از حوزه اراده عام به اراده افراد نزدیک شود، بیشتر در اندیشه دموکراتیک معاصر جای می‌گیرد (کالوین<sup>۶</sup>، ۱۸:۲۰:۵۱).

**۹-۱- حاکمیت مردم:** این اصل، یکی از اصول اساسی دموکراسی به شمار می‌رود. کشورهای غربی مدت‌هاست که راجع به منشأ حاکمیت به توافقی در زمینه غیر الهی بودن حاکمیت رسیده‌اند و این مطلب، راه را برای وصول به اصل اراده و حاکمیت مردم و برخی دیگر از اصول دموکراسی باز کرده است (سعادت نژاد، ۱۳۹۷: ۲۳).

**۱۰-۱- حقوق بشر:** تا قبل از قرن هفدهم، آنچه از مفهوم حقوق بر می‌آمده، برخاسته از حقوق طبیعی ملهم از قانون طبیعی بود. اما از آن زمان مفهوم حقوق بشر به عنوان مجموعه حقوقی که انسان‌ها صرفاً به حکم انسانیت خود از آن برخوردارند، در فرهنگ بشری تثبیت شد. بدین ترتیب انسان‌ها واجد حقوقی شدند که محصول نظام جامعه و دولت است و تنها برآیند طبیعت و سرشت

<sup>5</sup> Atwait, William

<sup>6</sup> Calvin

او نیست. در گذشته، حقوق تنها به دنبال تکالیف معنا می‌یافت؛ اما حقوق بشر بر آن دسته از حقوق انسانی تأکید می‌کند که حتی در صورت عدم انجام تکالیف پابرجا هستند. به عنوان مثال، آزادی بیان، حق تک‌تک انسان‌هاست و این‌که از این آزادی در جهت ابراز کدامین عقاید استفاده شود، چندان مهم نیست و یا حق مالکیت، حقی غیر قابل سلب از افراد است و هیچ قانون موضوعه‌ای نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. کسانی چون ارسطو و آکویناس منکر حقوق برابر برای همگان بودند؛ زیرا از نظر آنها انسان‌ها ذاتاً نابرابر و برخی زرین و برخی مسین بودند. اما اعلامیه استقلال آمریکا «همه آدمیان را آفریده‌هایی برابر با حقوق مشخص و غیر قابل سلب» می‌دانست. (کالوین، ۲۰۱۸: ۶۳).

## مبحث ۲: مهم‌ترین مولفه‌های دموکراسی در شفافیت انتخابات

در این مبحث به تبیین برخی از مولفه‌های مهم تأثیر گذار دموکراسی در شفافیت انتخابات اشاره می‌کنیم و عبارتند از:

### ۱-۱- مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی یعنی درگیر شدن فرد در درجات گوناگون فعالیت در نظام سیاسی از حاضر شدن در پای صندوق‌های رأی تا احراز مقامات حکومتی که اساساً بر مبنای حقوق شهروندی است. این موضوع که چرا و به چه دلیل و با چه ابزاری شهروندان در یک جامعه در سرنوشت گروهی خود مداخله می‌کنند، دلیلی است که نشان می‌دهد، انتخابات و نتایج آن از بحث‌های مورد توجه گروه‌ها، افراد، و سازمان‌های گوناگون با علایق و انگیزه‌های مختلف می‌باشد. معمولاً این علاقه-مندی در پیشگویی و پیش‌بینی نتایج انتخابات خود را نمایان می‌سازد. از جمله حقوق و آزادی‌های دموکراسی، آزادی سازماندهی است که افراد بدون اینکه تعقیب و مجازات شوند، حق عضویت در احزاب سیاسی یا دیگر نهادها را داشته باشند و نیز حق ابراز عقاید خود را از طریق تظاهرات قانونی داشته باشند. مشارکت مردم در امور عمومی منعطف به تحولات سیاسی و اجتماعی در هر جامعه ی سیاسی محسوب می‌شود، تجربه نشان داده است که با گذشت زمان این مشارکت همواره افزایش می‌یابد و با رشد فزاینده ی فکری مردم، کیفیت این مشارکت نیز بالا می‌رود، بدین معنا که مردم، علاوه بر انتخاب نمایندگان خود نیز در متن امور سیاسی وارد می‌گردند. (هاشمی، ۱۳۹۸: ۴۳۰)

### ۱-۲- برابری سیاسی

برابری سیاسی، به این معنی است که همه در برابر قانون یکسان باشند. یعنی به افراد با دیدگاه‌های متفاوتی توجه نشود. همه در مقابل هم حقوقی مساوی دارند. یکی از اصولی که در انتخابات و

بحث شفافیت مورد توجه است. بحث برابری سیاسی است. یعنی تایید صلاحیت کاندیدهای انتخاباتی براساس قوم، مذهب، جنسیت، دین و ... مورد ارزیابی قرار نگیرد. همه در برابر قانون یکسان مورد ارزیابی قرار بگیرند. قانون اساسی به عنوان ثمره انقلاب اسلامی مردم ایران با رهبری امام (ره)، موکداً به حقوق اساسی مردم و ملت ایران توجه ویژه کرده و با تاکید بر اصل تساوی و برابری مردم در برابر قانون، از اعطای امتیازات واهی و غیر قانونی به طبقه یا قشر خاصی از مردم نهی کرده است. همه افراد جامعه مطابق قانون در شمول و اجرای قانون نسبت به آنها برابر است؛ اما توجه به این نکته ضروری و بسیار حائز اهمیت است که برابری حقوق و تکالیف افراد یک اجتماع در شرایط مساوی به لحاظ عدم امکان ایجاد شرایط یکسان میسر نخواهد بود. با این حال، ملاک بنیادین در اصل برابری در صورت یکسان بودن شرایط همه افراد ملت در شمول قانون، برابری همه مردم در برابر قانون است (مهرپور، ۱۳۹۷: ۶۲). هیچکس حق نخواهد داشت به بهانه اختلافات ظاهری موجبات برتری و امتیاز یکی یا طبقه یا گروهی را بر دیگران فراهم آورد، از نظر اسلام تمامی آدمیان به اعتبار خلقت انسانی و اصل انسانیت با هم برابرند و کسی را بر دیگری هیچگونه امتیاز و برتری نیست و از همه ی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به طور برابر بهره‌مند می‌باشند. امروزه در رعایت آزادی انسان و پذیرفتن و قبول اصل تساوی از جانب حکومت‌ها باید توجه داشت که تساوی در حقوق غیر از تساوی در احوال است. آزادی و برابری دو قطب دموکراسی است. چنانچه دموکراسی بدون آزادی تحقق نمی‌یابد، همچنان دموکراسی بدون برابری بین افراد نیز محقق نمی‌شود (مدنی، ۱۳۹۷: ۸۲).

### گفتار ۳: تبیین جایگاه حقوق بشر و معیارهای انتخابات آزادانه

#### مبحث ۱: مفهوم حقوق بشر

مفهوم حقوق بشر با توجه به ارائه تعاریفی از حق و نگرش راجع به انسان قابل تعریف خواهد بود. برخی مفهوم حق را امتیازی می‌دانند که به حیات و موجودیت هر موجودی تعلق دارد و هر موجودی به لحاظ موقعیت خود آن را نسبت به دیگری مطالبه می‌کند (میرموسوی، ۱۳۹۶: ۸۷). برخی دیگر برای حق معنای اعتباری قائلند و معنای اعتباری حق را اجازه می‌دانند در این معنا زمانی که گفته می‌شود کسی حق دارد یعنی ذی حق اجازه دارد و مانعی در مقابل وی نیست و لازمه آن اختیار شخص به استفاده و عدم استفاده از آن است. در تعریف دیگر حق، ارفاق و امتیازی است که قانون به شخص می‌دهد و از آن پشتیبانی می‌کند در این حالت خصوصیت بارز حق این خواهد بود که نوعی سلطنت، قدرت و اختیار برای دارنده آن به ارمغان می‌آورد (جاوید، ۱۳۹۵: ۱۱۲). حقوق

بشر عبارت است از سلطه، اختیار، امتیاز و توانایی که انسان از آن برخوردار است. با این تعریف حقوق بشر دارای ویژگی‌هایی است از جمله اینکه از سنخ امتیاز برای دارنده حق است، تعلق حق به شخص با توان و اختیار وی تلازم دارد و در آخر اینکه حق بشری امتیاز حمایت شده است. به طور کلی می‌توان گفت حقوق بشر معاصر دربردارنده حقوق افراد در مقابل دولت است و کارکرد اصلی آن تحدید قدرت دولت در مقابل افراد است. به این ترتیب، دولت‌ها متعهدند حقوق بشر را برای افراد تضمین و حمایت کنند (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۶: ۳۹).

## مبحث ۲: مبانی حقوق بشر

مسئله‌ی حقوق بشر به یک سلسله اصول مربوط می‌شود که در دوران معاصر به صورت اعلامیه، مقررات و قطعنامه‌هایی درآمده است که دارای جنبه‌ی جهانی و معرف مبانی معنوی تمدن امروزی شناخته شده است. این اصول، در واقع از مفاهیمی الهام گرفته که توسط ادیان بزرگ، عنوان گردیده است که صرف نظر از نژاد، کشور، رنگ، جنس، معتقدات، شرایط زندگی اجتماعی و ترکیب فیزیکی انسان، او را موجودی قابل احترام می‌داند و زندگی او دارای قدسیت بوده و وجودش هدف نهایی کلیه‌ی قوانین و مقررات به شمار می‌رود و لذا به هیچ وجه وسیله‌ی بهره‌برداری یا مورد سوءاستفاده هم‌نوعان خود نه باید و نه می‌تواند قرار گیرد. براین اساس است که سازمان‌های بین‌المللی، مأمور اجرا و نظارت بر اجرای مقررات والایی شده‌اند که ضامن حیات، آزادی و حیثیت انسان معرفی شده است، منتهی چنین مسئولیتی تاکنون فاقد ضمانت اجرایی صحیح یا کامل است. این حقوق، در معنای وسیع خود، شامل بهداشت، استقلال، شکوفایی شخصیت، اختیار اقامت و خط مشی زندگی، فرهنگ، شغل، حق حمایت اجتماعی و امنیت دائمی در کلیه‌ی زمینه‌هاست (هاشمی، ۱۳۹۸: ۱۴۲).

حقوق بشر اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوقی است که هر فرد به‌طور ذاتی، فطری، به صرف انسان بودن از آن بهره‌مند می‌شود. این تعریف ساده عواقب، بازتاب اجتماعی و سیاسی مهمی را برای مردم و حکومت‌ها به دنبال دارد. ویژگی‌های حقوق بشر؛ مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی این حقوق ویژگی‌هایی را دارا هستند که می‌توان به مواردی همچون ۱. جهان‌شمولی ۲. غیرقابل سلب بودن ۳. تبعیض‌ناپذیری ۴. برابری؛ و نیز انتقال‌ناپذیری، تفکیک‌ناپذیری، برابری طلبی و به هم پیوستگی و درهم‌تنیدگی از دیگر مواردی است که می‌توان به آن اشاره کرد. از این رو به تمامی افراد در هر جایی از جهان تعلق دارد و هیچ‌کس را نمی‌توان از این حقوق محروم کرد، ضمن این‌که همه افراد فارغ از عواملی چون نژاد، ملیت، جنسیت، مذهب، گرایش جنسی، رنگ، زبان و غیره در برخورداری از این حقوق با هم برابرند و هیچ‌گونه تمایز،



ارجحیت، محدودیت و محرومیت در بهره‌مندی از این حقوق ندارند و این حقوق قابل نقض نیستند (کاترین ویت، ۲۰۱۵: ۲۲۵).

### مبحث ۳: حقوق بشر و معیارهای انتخابات آزادانه

انتخابات آزاد در کارآمدی اصل شفافیت دارای دو نکته قابل توجه می باشد:

اول- انتخابات آزاد فی نفسه در بطن خود شفافیت را دارا می باشد.

دوم- انتخابات آزاد دارای پارامترهایی می باشد که اولاً بر اساس شفافیت تنظیم شده و ثانياً در روند تقویت اصل شفافیت قدم بر می دارد.

مهمترین معیارهای انتخابات آزادانه عبارتند از:

۱- چهارچوب قانونی شفاف و معین و صریح و روشن.

۲- آزادی حرکت

۳- آزادی اجتماعات

۴- آزادی بیان برای نامزدها، رسانه ها، رای دهندگان، دیگران

۵- آزادی از ترس در رابطه با انتخابات و کارزار انتخاباتی

۶- عدم وجود موانع در انتخابات برای هر حزب سیاسی و کاندیداهای مستقل

۷- حق رای برابر و جهانی

۸- فرصت آزاد شرکت در انتخابات

۹- آزادی تشکیل انجمن ها یا سازمانهای نسبتاً مستقل، از جمله احزاب سیاسی و گروههای

علاقه مند.

۱۰- عدم اجبار و فشار، ارباب و تهدید در انتخابات

۱۱- شهروندان بدون خطر مجازات شدید در مورد موضوعات سیاسی که به طور گسترده

تعریف شده اظهار نظر کنند

۱۲- امکانات قانونی برای شکایت

بدون قوانین اعطای آزادیهای سیاسی رسمی، مسئله کاربرد و منصفانه قوانین بی معنا است و

مسئله برابری منابع بی ربط است.

در نظام حقوقی ایران، قانونگذار به تبعیت از تعالیم شریعت اسلام، حاکمیت مطلق برجهان و

انسان را از آن خدا دانسته است و در کنار آن براین امر تأکید نموده که خدا انسان را برسرنوشت

اجتماعی خویش حاکم ساخته است و هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروه خاصی قرار دهد (اصل پنجاه و ششم قانون اساسی). به این ترتیب نظام سیاسی ایران (جمهوری اسلامی) که در اصل اول قانون اساسی تبلور یافته، بین «آراء عمومی» و «اعتقاد اکثریت» (اسلام)، نوعی رابطه منطقی برقرار نموده است. گرچه التزام به حاکمیت خداوند در این تأسیس سیاسی - حقوقی از دیدگاه متفکرین آزادی‌گرا نوعاً مغایر با اصل «انتخاب آزادانه» عنوان شده، اما در پاسخ به آن گفته شده که برفرض صحت همه پرسى، تلفیق «آزادی مشارکت» و «آزادی عقیده» مردم که از طریق اکثریت موجب پایداری چنین نظامی شده، از حقانیت آن نمی‌کاهد (هاشمی، پیشین، ۴۵۵).

مطابق اصل ششم قانون اساسی، در جمهوری اسلامی ایران، اداره امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات، انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها یا از راه همه پرسى در مواردی که در اصول دیگر قانون معین می‌گردد. براین اساس مطابق اصول مقرر در قانون اساسی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز آزادی مشارکت در حیات عمومی و اداره امور از طریق برگزاری انتخابات آزاد به رسمیت شناخته شده است. در راستای اجرای این امر، انتخاب غیر مستقیم رهبری از طریق مجلس خبرگان منتخب مردم (اصول ۱۰۷ و ۱۰۸)، انتخاب مستقیم رئیس جمهور (اصل ۱۱۴)، انتخاب مستقیم اعضای مجلس شورای اسلامی (اصل ۶۲)، انتخاب مستقیم اعضای شوراها (اصل ۱۰۰) و همه پرسى (اصول ۵۹ و ۱۷۷) که بیانگر نقش مستقیم یا با واسطه مشارکت مردم در حیات عمومی جامعه از طریق انتخابات آزاد است، مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. همچنین در نظام حقوقی ایران، برخی دیگر از معیارهای انتخابات آزاد و عادلانه نظیر برگزاری انتخابات عمومی و ادواری و از طریق رأی گیری مخفیانه و همچنین حق رأی و انتخاب کردن و انتخاب شدن (اصول ۶۲ و ۶۳) و وجود نظارت برانتخابات (توسط شورای نگهبان) (اصل نود و نهم) مورد شناسایی قرار گرفته‌اند.

#### گفتار ۴: تبیین جایگاه حکمرانی مطلوب در انتخابات

##### مبحث ۱: مبانی حکمرانی

در اتخاذ سیاست‌های پیش‌بینی شده، آشکار و صریح دولت (که نشان‌دهنده شفافیت فعالیت‌های دولت است). بوروکراسی شفاف، پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی در قبال فعالیت‌های خود، مشارکت فعال مردم در امور اجتماعی و سیاسی و نیز برابری همه افراد در برابر قانون، تبلور می‌یابد.

به‌طور کلی می‌توان گفت که حکمرانی خوب، تمرین مدیریت (سیاسی، اقتصادی، اجرایی و...) منابع یک کشور، برای رسیدن به اهداف تعیین شده می‌باشد. این تمرین دربرگیرنده راهکارها و نهادهایی است که افراد و گروه‌های اجتماعی از طریق آن، توانایی دنبال کردن علایق و حقوق قانونی خود را با توجه به محدودیت‌ها داشته باشند. اگر چه در برخی از متون، حکمرانی مطلوب به معنی دولت خوب<sup>۸</sup> نیز تعریف شده‌است، اما نمی‌توان این دو مفهوم را مترادف دانست، زیرا همه نهادهای جامعه در قوه مجریه خلاصه نشده و سایر نهادها نیز در روند اداره یک کشور به اندازه خود سهم می‌باشند. اما در میان بسیاری از اندیشمندان این اتفاق نظر وجود دارد که وجود دولت خوب، شرط لازم برای حکمرانی مطلوب است. حکومت‌ها با احترام نهادن به این اصول و اجرایی نمودن آنها، می‌توانند گام‌های مؤثری در روند توسعه پایدار بردارند (میدری، ۱۳۹۸، ۴۷).

### مبحث ۲: اصول حکمرانی

در این مبحث به تبیین اصول حاکم بر حکمرانی در انتخابات خواهیم پرداخت.

#### ۱-۲- اصل حاکمیت قانون<sup>۹</sup>

حاکمیت قانون یکی از موضوعاتی است که بیشترین توجه حقوقدانان و دیگر اندیشمندان در زمینه‌های سیاست و اقتصاد را به خود جلب کرده است. حاکمیت قانون، قاعده‌ای کلی است که به موجب آن تصمیمات حکومتی بر اساس اصول شناخته‌شده حقوقی (اثبات گرایی حقوقی) و یا (حقوق طبیعی) گرفته می‌شوند (گاردبوم<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۵: ۶۸). بحث از قانون، چه به‌عنوان ابزار حکومت و چه به‌عنوان ابزاری برای کنترل حکومت، دغدغه مشترک صاحب‌نظران حوزه‌های فلسفی، حقوقی و سیاسی بوده است. در سنت حقوقی سیاسی غرب، حاکمیت قانون در تقابل با حکومت شخص معنا شده است. بر این اساس حاکمان باید بر مبنای نظریه مشروطه‌خواهی و در حیطه نظم مبتنی بر قانون اساسی، به شیوه‌ای رفتار کنند که رفتار آنان سازگار با قانون اساسی و محدود به رویه‌هایی باشد که عموم مردم از آن مطلع‌اند (رافرتی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۶: ۱۵۰). نکته حایز اهمیت در اینجا منشأ قانون است. قانون، حسب گرایش‌ها مختلف منشأ گوناگون دارد. برای مثال، طرفداران حقوق وضعی یا حقوق اثباتی بر آنند که قانون اراده حاکم است و چیزی والاتر از آن نیست. هر چه حاکم بخواهد قانون است و لازم‌الاجرا. اما طرفداران مکتب حقوق طبیعی بر آنند که برخی حقوق لاینفک برای انسان به واسطه

<sup>8</sup> Good Government

<sup>9</sup> Rule of Law

<sup>10</sup> Gardbourn

<sup>11</sup> Rafferty

انسان بودنش وجود دارد که بر تمامی حکام حاکم است و وظیفه اصلی حاکم کشف این مقررات و اجرای آن است.

## ۲-۲- اصل شفافیت<sup>۱۲</sup>

شفافیت، به معنی جریان آزاد اطلاعات و قابلیت دسترسی سهل و آسان به آن برای همه است. همچنین شفافیت را می‌توان آگاهی افراد جامعه از چگونگی اتخاذ و اجرای تصمیمات نیز دانست. در چنین شرایطی، رسانه‌های گروهی به راحتی قادر به تجزیه و تحلیل و نقد سیاست‌های اتخاذ شده در نظام تصمیم‌گیری و اجرایی کشور خواهند بود (جلالی، ۱۳۹۷، ۶۲). شفاف شدن فرآیندهای انتخابات در بسیاری از کشورها، مکانیسم و سازوکار اجرایی مشخصی دارد. مهمترین رویه‌های مرتبط در این خصوص، به کارگیری نظارت عمومی و سیاست‌های الزام‌آور اعلام عمومی بر فعالیت‌های انتخابات و رفتارهای انتخاباتی است. انتخابات، مجموعه‌ای از فرایندهای سازمان دهی شده است که حقی را جهت‌گزینه متصدیان امور در اختیار مردم قرار می‌دهد. انتخابات یکی از وقایع مهم سرنوشت ساز است اما در بسیاری از موارد به دلیل آنکه اطلاعات زیادی پیرامون فرایند انتخابات و نامزدها وجود ندارد، ممکن است مسبب فساد و رانت باشد و هزینه‌های سیاسی در پی داشته باشد. جلوگیری از هزینه سیاسی، کنترل فساد و نظارت بر انتخابات با شفاف شدن فرایند انتخابات امکانپذیر است. شفاف شدن فرآیندهای انتخابات ذیل سیاست و قانون «شفافیت فعالیت‌های سیاسی» در بسیاری از کشورها مکانیسم و سازوکار اجرایی مشخصی دارد. مهمترین رویه‌های مرتبط در این خصوص، به کارگیری نظارت عمومی و سیاست‌های الزام‌آور اعلام عمومی بر فعالیت‌های انتخابات و رفتارهای انتخاباتی است (عیوضی، ۱۳۹۸: ۱۴۰). شفافیت فعالیت سیاسی به طور کلی و شفافیت انتخابات به طور خاص، یک رابطه چند سویه ای است که مضمول ذینفعان مختلف می‌شود. ذینفعان شامل نامزدها و احزاب از یک طرف، رأی دهندگان و از طرف دیگر حاکمیت اعم از ناظران و مجریان است که در قالب شوراها، گروه‌ها، دادگاه‌های خاص انتخابات و دیگر نهادهای تعیین کننده فرآیند و نتایج انتخابات است. بنابراین شفافیت انتخابات باید ناظر بر نامزدها، ناظر بر مردم و ناظر بر فرایندهای انتخاباتی باشد (هاشمی، ۱۳۹۸: ۱۸۷). مبنای اصلی و کاربرد اصل شفافیت در انتخابات، زمینه تحقق انتخابات آزاد و منصفانه و اصیل را ایجاد می‌کند. بطوری که با باز و شفاف بودن فرآیند اتخاذ تصمیمات انتخاباتی برای مردم نوعی احساس اعتماد به صحت و سلامت تصمیمات انتخاباتی و سیاسی ایجاد می‌شود.

<sup>12</sup> Transparency

### ۳-۲-۳- اصل پاسخگویی<sup>۱۳</sup>

این عنصر، نیازی مهم برای حکمروایی خوب به شمار می‌رود. نه تنها نهادهای دولتی، بلکه بخش خصوصی و سازمانهای غیرانتفاعی و غیردولتی نیز باید در برابر عموم مردم، به ویژه ذینفعان خود پاسخگو باشند. این مسئله که پاسخگویی از طرف چه کسی و به چه فردی است، برحسب نوع تصمیم‌ها و فعالیت‌های سازمان‌ها و افراد، تغییر می‌کند. به طور کلی، هر سازمان در برابر کسانی که از کارهای سازمان تأثیر می‌پذیرند، پاسخگوست. پاسخگویی، تنها با اعمال شفافیت و حاکمیت قانون عملی می‌شود. هر مشکل یا بحران در سطح جامعه باید توسط سازمان و بخش مربوط مدیریت شود و هیچ معضلی وجود نداشته باشد که کسی خود را در قبال آن مسئول نداند (حق پناه، ۱۳۹۵: ۳۹۵). افزون بر این، افراد، اعم از حقیقی و حقوقی، به میزان اختیارات و قدرتی که دارند، باید مسئولیت عملکرد خود را نیز بپذیرند و در برابر مردم و نهادهای ذیربط پاسخگو باشند. بر این اساس، همه نهادهای حاکمیتی در برابر یکدیگر، مردم و خداوند پاسخگو خواهند بود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پاسخگویی را یکی از سازوکارهای تحقق عدالت اجتماعی و دموکراسی در نظر گرفته است؛ همچنین اجزای حکومت و دولت را با روش‌های متفاوت، به پاسخگویی در برابر مردم و نیز در برابر نهادهای نظارتی مکلف کرده است (الوانی، ۱۳۹۴: ۱۱).

### ۴-۲-۴- اصل مشارکت پذیری

انگاره مشارکت مردم در اداره امور کشور، قدمتی به دیرینگی نخستین نمودهای زیست‌گروهی بشر دارد. صرف نظر از تبارشناسی ایده مشارکت، برداشت خاص آن (مشارکت سیاسی)، محصول زایش فکر دموکراسی در دوران جدید و به رسمیت شناختن حق حاکمیت یکایک انسان‌ها در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش است. اصل شفافیت به دنبال ارائه آمار واقعی مشارکت در انتخابات است. همه مسئولانی که در رده‌های مختلف مسئولیت گزارشات واقعی از جهت میزان مشارکت را بر عهده دارند. بایستی بطور شفاف به اطلاع عموم برسانند. و گزارش خلافی در این زمینه نداشته باشند. در هر دوره‌ای که انتخابات برگزار می‌شود. بایستی قبل از انتخابات فرصت کافی برای مشارکت پذیری به مردم داده شود که صلاحیت کاندیدها را بشناسند. امروزه این حقیقت تاریخی گویای آن است که شهروندان حق دارند آزادانه یا به واسطه میثاقی که با دولت دارند، در تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت سیاسی جامعه مشارکت نمایند. اهمیت موضوع تا جایی

است که اکثر نظام‌های حاکمیتی برای پرهیز از بحران مشارکت، به بومی‌سازی و سازمان‌دهی حقوقی مشارکت در عرصه داخلی و بین‌المللی روی آورده و دریافته‌اند که هرچه به حضور مردم در تعیین سرنوشت خویش بها دهند، چهره مطلوبی از خود ظاهر می‌کنند و هرچه نسبت به پذیرش حق مشارکت مردم سخت‌گیری و تحریم روا دارند، سیمایی مشارکت ناپذیر از خویش، به نمایش گذارده‌اند (موسوی، ۱۳۹۷: ۹۲).

#### ۵-۲- اصل مسئولیت‌پذیری<sup>۱۴</sup>

مسئولیت‌پذیری به عنوان تعهدی درونی از سوی فرد برای انجام مطلوب تمامی فعالیت‌هایی است که به وی سپرده شده است. سرتو (۱۹۸۹)؛ مسئولیت‌پذیری را یک الزام و تعهد درونی از سوی فرد برای انجام مطلوب همه فعالیت‌هایی که بر عهده او گذاشته شده است، تعریف می‌کند و معتقد است که مسئولیت‌پذیری از درون فرد سرچشمه می‌گیرد (کرمانی، ۱۳۹۹، ۷۸). فردی که مسئولیت‌کاری را بر عهده می‌گیرد، توافق می‌نماید که یک سری فعالیت‌ها و کارها را انجام دهد و یا بر انجام این کارها توسط دیگران نظارت داشته باشد. هر فردی در جامعه دارای وظایف فردی است که انجام آن باعث می‌شود تا تعادل‌ها با پذیرش و عمل کردن به رفتار مناسب برقرار و حفظ شود. رای دادن و انتخاب بهترین افراد به نوعی مسئولیت‌پذیری اجتماعی به حساب می‌آید (پولادریگ، ۱۳۹۳: ۴۷).

#### نتیجه‌گیری

ارائه اطلاعات صحیح و درست و در دسترس آسان قرار دادن آن برای مردم و نخبگان نوعی شفافیت را ایجاد میکند که نتیجه آن اعتماد به فرآیند مشارکت مردم و ارزیابی و در نتیجه افزایش کارایی مشارکت مردم و عناصر اجرایی و حکمرانی مطلوب می‌باشد. از این رو شفافیت از جمله موضوعات اساسی در مباحث کلان حکومت‌های مردم‌سالار و اصلاح‌آداری عمومی است که در جهت تقویت رابطه حکومت و شهروندان به مثابه یک حرکت اساسی در بهبود سیاست‌گذاری و اجرای صحیح آن قلمداد می‌شود. چنانکه امروزه به عنوان یکی از مولفه‌های اساسی حکمرانی خوب محسوب می‌گردد. مردم چنان چه در جریان تصمیم‌گیری‌ها و اهداف و سیاست‌ها و اطلاعات درست و بهنگام قرار گیرند در کلیه فرآیندهای انتخابات متوجه درستی و نادرستی آنها خواهند شد. در نتیجه این امر امنیت‌خاطری است که ملت نسبت به حکومت پیدا میکنند و در جهت

<sup>14</sup> Responsibility

استمرار و تقویت آن از طریق شرکت در مشارکت های سیاسی که متبلورترین آنها انتخابات است گام های موثر و اثر بخشی خواهند داشت. در واقع به درستی ثابت شده که اشتباهات حکومت ها در فضای پنهان کاری رخ میدهد و تداوم میابد. از این رو هنگامی میتوان از یک حکومت انتظار داشت در رفتارهای خود خردورزی پیشه کنند که بتوان رفتارهای آنها را در سیاست گذاری های انتخابات و اجرای آن تحلیل و ارزیابی کرد و آنان را وادار ساخت که درباره عملکرد و کنش ها و تصمیمات خود به مردم توضیح دهند. اصل شفافیت دارای پشتوانه و مبانی تئوریک مختلف و عمیقی بوده و در حقوق بنیادین بشر ریشه دارد و امروزه این اصل مورد اقبال روز افزون در عالم حقوق و سیاست واقع شده است.

## منابع:

## الف) فارسی

- ۱- دارابی، علی (۱۳۹۸)، رفتار انتخاباتی در ایران، چاپ هفتم، تهران، انتشارات سروش.
- ۲- گلشن پژوه، محمدرضا (۱۳۹۸)، بررسی تطبیقی نظام‌های انتخاباتی، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران.
- ۳- ایزدهی، سیدسجاد (۱۳۹۵)، ظرفیت‌های مشارکت سیاسی در قرائت از نظریه ولایت فقیه. سیاست متعالیه، شماره ۲۳.
- ۴- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۹۷)، مبانی سیاست، تهران: انتشارات توس، چاپ شانزدهم.
- ۵- هلد، دیوید، (۱۳۹۸)، مدل‌های دموکراسی، ترجمه عباس مخبر، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.
- ۶- بشیری، حسین (۱۳۹۸)، جامعه‌شناسی سیاسی؛ تهران: نشر نی.
- ۷- جهان بزرگی، احمد (۱۳۹۷)، اصول سیاست و حکومت، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ چهارم.
- ۸- هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۹۸)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثالثی، تهران: نشر علم، چاپ ششم.
- ۹- محمدی‌نژاد، حسن (۱۳۹۸)، احزاب سیاسی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۰- مهرپور، حسین (۱۳۹۷)، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. چاپ چهارم، تهران: دادگستر.
- ۱۱- جلالی، علی‌اکبر، (۱۳۹۷)، شهر الکترونیک، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
- ۱۲- میدری، احمد (۱۳۹۸)، مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب، رفاه اجتماعی، ش ۱۲.
- ۱۳- قاضی، ابوالفضل، (۱۳۹۹)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی تهران، نشر دانشگاه تهران.
- ۱۴- کرمانی، مجید، باسنا، مهدی (۱۳۹۹)، نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه‌های دولت: مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی؛ تحقیقات اقتصادی، ش ۱۴.

## B) انگلیسی

1-Manin, Bernard and Others, "Election and Representation", Democracy, Accountability and Representation, Edited by: Adam Przeworski and Others, (Cambridge: Cambridge University Press, 2019, p.29).



2-Sadati Nejad, Seyed Mehdi, Shirazi, Ali, (2018), "A Comparative Study of the Epistemological Foundations in Religious Democracy Theory and the Theory of Dialogue Democracy in the Viewpoint of Imam Khomeini and Jürgen Habermas", *Jostarhaie Siasi Maaser*, Autumn, No 21.

3-Samiy Isfahani, Alireza, (2017), "Comparative study of the crisis of democracy and its impact on political behavior Citizens in the tripartite democracies of Europe, North America and Japan", *Journal of Law and Policy Research*, vol,9, No23

4-Ansari, Mansour, (2018)," Conversation democracy: Democratic Features of Mikhail Bakhtin's Thoughts and Jurgen Habermas", Tehran: Publisher Markaz

5-Atwait, William and Batamore, Tom (2017), "Culture of the 20th Century Social Science", Translated by Hassan Chavehian, Tehran: Publisher Naey.

6-Calvin, Kirk, (2018), "History of the concept of civil society and the public sphere", Translated by Rahim Nobahar, Tehran: Publisher Tahgigat Hoghoghi. spring and summer, No. 51.

7-Jack Donnelly, *Universal Human Rights in Theory and Practice* (New York: Cornell University Press, 2013), 2nd Ed, 44.

8-Doornbos. B (March 2014). How Well Do Measurements of an Environment for Development Stand Up: A Paper Prepare for the Technical Group of 24.General. 8-9. UNCTAD.

9-Alfredsson, Gudmundur (2017). [The Universal Declaration of Human Rights: a common standard of achievement](#). Martinus Nijhoff Publishers. p. 236.

10-Katherine White. Crisis of Conscience: Reconciling Religious Health Care Providers' Beliefs and Patients' Rights. *Stanford Law Review* 2015.p. ۲۲۵.

11-Kaufmann D. Kraay A (2006). Mastruzzi M.Governance Matters VI:Aggregate and Individual Governance Indicators 2012, presented at:<http://www.govindicators.org>.

12-Gergen, Kenneth j (2016) "Mobile Communication and the Transformation of the Democratic Process" in: *Handbook of Mobile Communication Studies*, ed: James E Katz, the MIT Press, P. 297-308

13-Mouffe, Chantal (2016) "Democracy As Agonistic Pluralism", in: *Rewriting Democracy*, Elizabeth Deeds Ermarth, Ashgate publishing company.

14-Gardbourn Stephen, (2015), *Human Rights and International Constitutionalism, International Law & Global Government*, Temple University School of Law.